

مردی بود بنام اسحق که در شهرهای ترك ماوراءالنهر بدعوت پرداخت و از این جهت بترك معروف شد. اسحق میگفت که ابومسلم در کوهستان ری محبوس است و وقتی خروج خواهد کرد، چنانکه کیسانیه درباره محمد بن حنیفه ادعا می کنند اسحق دعوی میکرد که فرستاده زردشت است و زردشت موجودی جاودانی است پیروان اسحق داعی ابومسلم را در تاریخ ملل و نحل مسلمیه مینامند (۱).

چند اندرز

غم و شادی مدان بغیر خیال کز خیال تو زاد شادی و غم
پس مپرور خیال غم در دل تا نباشی بروزگار دژم

خوش بود حس انتقام و لیک تو بر آن شو کزین صفت برهی
هر بدیرا که از کسی بتو رفت عوض آن به نیکوئی بدهی

در مقامیکه لازمست غضب گر ترا دست داد رقت قلب
اینست از ضعف نفس میباشد نام آنرا مننه شفقت قلب

هر که ظلم کسان بدید و نخواست رفع آن ساختن ز خون سردی
شرم بادش ز نام انسانی دور باد از حمیت سردی

چون بکاری ترا حکم کردند همه اطراف آن بدقت بین
وانگهی از برای دادن رأی آنچه حق دارد اقتضا بگزین

۱- ابن اثیر جلد ۵ - عقدا الفرید جلد ۲ ص ۲۷۷ - ابن خلکان الفخری - الفهرست

ص ۴۸۳ - ملل و نحل شهرستانی ص ۱۱۱.